



● درنمایشگاه امیرحسین امیرجلالی در گالری ژاله که با استقبال هنرمندان روبه‌رو شده است، ۱۲اثرروی دیوار رفته است. آثار امیرجلالی نقاشی‌های انتزاعی است که به واسطه وجود مؤلفه‌هایی مانند رنگ‌های خام و بی‌هویت یا حضور بعضی حروف نوشتاری لاتین در آنها می‌توان این آثار را در حوزه پست‌مدرن بررسی کرد. به گفته این هنرمند دراین مجموعه انسان امروز و دغدغه‌هایش هیچ نقش و جایگاهی ندارند

و آثار فارغ از زمان و جغرافیا یک فضای انتزاعی را ترسیم می‌کند. امیرحسین امیرجلالی متولد ۱۳۴۴ در تهران است و از سال ۸۱ تاکنون نمایشگاه‌هایی در گالری‌های نشر کارنامه- دریایی- کینا- آتشراد- فرهنگ‌سرای نیلوار- گالری آذر- گالری زاویه- تالار وحدت و… و همچنین در امارات، چین و کره جنوبی داشته است.

● به‌عنوان هنرمند **چطور آغاز کردید و چه شد که به نقاشی روی آوردید؟**
از کودکی، بودن مدادی در دستم برایم همه‌چیز بود. خلق هر تصویری که با چرخاندن قلمی حاصل می‌شد، همه وجودم را سرشار از امید به زندگی می‌کرد، تا اینکه در دوران نوجوانی با طراحی‌های رونیس آشنا شدم و به صورت خودآمخته شروع به کار کردم و بعدازآن بود که متوجه شدم مشتاقم باقی زندگی را در این زمینه کار کنم. در سال ۶۵ به نقاشی را شروع و با استادان مختلف در نقاشی آشنا شدم و کار کردم و تا امروز هم به‌عنوان یک هنرجو در پی فهم تئوریک سبک‌ها و روند شکل‌گیری و خاستگاه پیدایش نگرش‌های مختلف در هنرهای تجسمی هستم.



● **محتوای آثار من انسانی است که به دست خود خوشتن را تغییر داده و چون عیوب متعددی را در خود دیده است، اکنون خود را در گذشته به چشم موجودی ناهنجار می‌بیند که باید نام آستان را به چیز دیگری تغییر دهد.**
محتوای آثار من انسانی است که به دست خود خوشتن را تغییر داده و چون عیوب متعددی را در خود دیده است، اکنون خود را در گذشته به چشم موجودی ناهنجار می‌بیند که باید نام آستان را به چیز دیگری تغییر دهد.

● **نگاه شما به هنر چگونه است؟**

نگاه به هنر باید ریشه‌ای باشد و برای دیدن و درمان این ریشه باید گودالی عمیق حفر کرد که بعد معلوم نیست با چه موجود ناهنجارگونه‌ای برخورد خواهیم داشت.

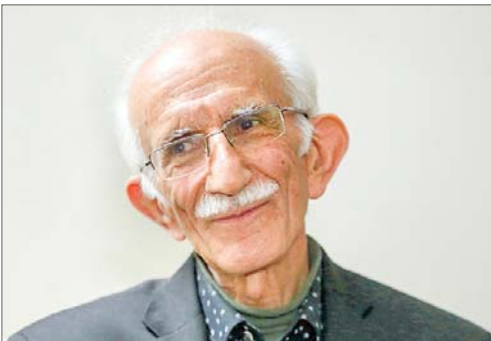
● **چرا فضای انتزاعی را برای رساندن پیام و محتوای آثارتان انتخاب کردید؟**

چون چیزی که می‌خواهم بگویم، با انتزاع ممزوج است. وقتی از انسان برتر می‌گویم، چه چیزی می‌تواند از این آرمان انتزاعی‌تر باشد. می‌دانم که شاید دست‌نیافتنی باشد؛ ولی دست‌کم باعث می‌شود که درک انسان معاصر از خود مجاله شود و خوشتن خویش را بهترین حالت بودن نداند. برای اینکه بتوانم بودن خویش را درست و منطقی به چالش بکشم، باید از ارتفاعی بلند به‌ خود بنگرم و به نظر فقط در فضای انتزاعی این دغدغه‌ها قابل‌ تصویرشدن هستند. ● **از چه زمانی تدریس را آغاز کردید و تأثیر تدریس نقاشی بر آثارتان چه بوده؟**
من از ۱۰ سال پیش شروع به تدریس نقاشی کرده‌ام. البته متأسفانه فقط ساعات بسیار کمی را می‌توانم به این امر اختصاص دهم. هنرجویانم در سبک‌های مختلف بنا به دیدگاهشان کار می‌کنند که این باعث می‌شود به‌طور ناخودآگاه مسائل چه از نظر تئوریک و چه از نظر تکنیکی برایم جالفتاده‌تر شوند و به طبع آگاهی من درباره آنها بیشتر شود.

● **رنگ سفید در آثار شما بسیار غالب است. آیا دلیل خاصی برای این مسئله وجود دارد؟**
درباره رنگ سفید باید بگویم که شاید این رنگ و طیف‌های خاکستری برای القای موضوع منظر من و دغدغه‌هایم بسیار مناسب بود. شاید آنها خلا لازم را برای القای موضوع اشاره‌شده و دغدغه من بهتر القا کند؛ زیرا این آرمان شهرها در فضایی هستند که زمان و مکان مشخصی ندارند و بعد اگر بخواهم رنگی به غیر از سیاه و سفید را در مرکز یا اطراف آن اضافه کنم، بیشتر دیده شود. به قول فیلسوفی بسیی دور در آینده پرواز کردم، ناگهان هراسی من را فرا گرفت؛ پس چون به اطراف نگرستم، فقط زمان هم‌زمانم بود.

● **تاجایی که می‌دانم، شما یک‌سری آثار فیکوراتیو در فضای رئالیستی هم دارید. چطور این دو فضای انتزاعی و رئالیستی را در کنار هم تعریف می‌کنید؟**

درباره کارهای فیکوراتیوم باید عرض کنم که به نظر من آثار کاملاً از چندین نظر می‌تواند خوانشی در حیطه هنر معاصر داشته باشد. این نقاشی‌ها سعی کرده از زاویه‌ای دیگر دغدغه من را مورد اصابت قرار دهد. کلاً من نقاشی هستم که آثارم ریشه انتقادی شدیدی دارد و موضوع انتقادم بر حواشی انسان نیست؛ بلکه بر خود موجودیت‌مان است و خواستم تغییر بنیادین آنهاست؛ چراکه من به دنبال آرمان شهری هستم که به دست آرمان انسانم ساخته خواهد شد.



گروه هنر: حوزه هنرهای تجسمی چندسالی است با رونق‌گرفتن شرایط اقتصادی، دچار معضل کپی آثار هنری و مشکلات اصالت‌سنجی آثار هنرمندان فقید شده است؛ مسئله‌ای که این روزها سیدمجتبی حسینی، معاون هنری وزارت ارشاد، را بر آن داشته که از مدیرکل مرکز هنرهای تجسمی بخواهد تا راهکارهایی قانونی برای برخورد با این موضوع را بررسی و اجرایی کند. نامه این مدیر دولتی باعث شده واکنش‌های مختلفی از هنرمندان را در رسانه‌ها درباره این موضوع شاهد باشیم که نظرات متفاوتی در مورد ورود بخش دولتی به موضوع اصالت‌سنجی آثار هنری دارند. بر همین اساس گفت‌وگویی با غلامحسین امیرخانی، ابراهیم حقیقی و فرشید مثقالی درباره کپی آثار هنری داشته‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

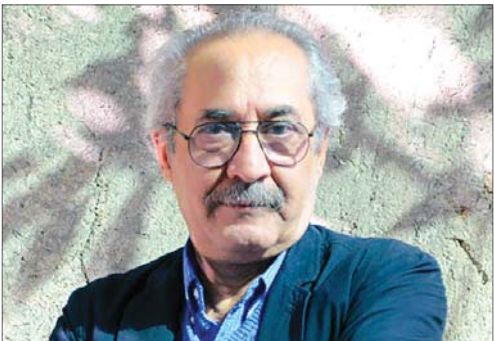
دولت و کارشناسان هنری در برابر کپی‌کاران

غلامحسین امیرخانی، استاد خوشنویسی، درباره برخورد با کپی‌کاران گفت: دولت و قوه قضائیه در مورد کپی آثار هنری با همکاری با کارشناسان هنری ورود کنند. این چهره ماندگار هنر خوشنویسی درباره دستور معاون هنری وزارت ارشاد برای پیگیری کپی آثار هنری گفت: متأسفانه کپی آثار هنری سبب شده است در حوزه هنر هرج‌ومرج به وجود آید که باید هرچه سریع‌تر جلوی این هرج‌ومرج گرفته شود. دستور معاون هنری وزارت ارشاد شاید بتواند روزه امیدي باشد، ولی نیاز به پیگیری دارد تا به نتیجه دلخواه برسیم. امیرخانی در ادامه بیان کرد: باید تا تدبیر پیش برویم تا بتوانیم جلوی این مشکل بزرگ را بگیریم. مهم‌ترین کار این است که برنامه‌ریزی درست صورت گیرد. اگر بدون برنامه‌ریزی شروع کنیم مطمئناً بی‌فایده خواهد بود. این خوشنویس افزود: حتماً باید در این زمینه دولت و قوه قضائیه ورود کنند، زیرا تنها از این طریق می‌توانیم جلوی افراد متقلب را بگیریم. دولت می‌تواند این افراد را متوجه اشتباهشان کند و اگر متوجه نشدند، باید جریمه‌های سنگینی برای آنها در نظر گرفته شود. غلامحسین امیرخانی در ادامه تأکید کرد: همچنین در این زمینه دولت باید از حضور کارشناسان هنری استفاده کند؛ زیرا کارشناس می‌تواند به راحتی تشخیص دهد که یک اثر هنری اصل یا کپی است. دولت و کارشناسان هنری در کنار هم می‌توانند در این کار مفید واقع شوند. امیرخانی خاطرنشان کرد: متأسفانه خیلی‌ها موضوع ایده‌گرفتن از آثار هنری را با کپی‌کردن اشتباه گرفته‌اند و بعضی‌های دیگر از این موضوع سوءاستفاده می‌کنند؛ یعنی زمانی که از آنها می‌پرسند چرا کپی کرده‌اند؟ می‌گویند در هنر معاصر موضوع ایده‌برداری از برخی از آثار هنری ممکن و پذیرفته‌شده است، درصورتی‌که این افراد ایده‌برداری نمی‌کنند، بلکه کاملاً کپی می‌کنند و این کار دزدی است.

برای شناسایی آثار هنری نیاز به ورود دولت نیست

ابراهیم حقیقی اما درباره ورود دولت به موضوع برخورد با کپی‌کاران هنری نظر متفاوتی دارد؛ او معتقد است که به‌دیوار آویختن آثار هنری

هنر



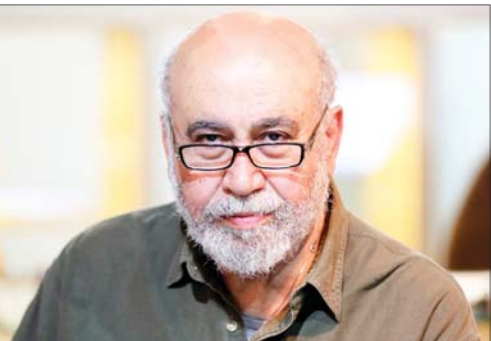
نظر غلامحسین امیرخانی، ابراهیم حقیقی و فرشید مثقالی درباره برخورد با متقلبان هنری

قانون در برابر کپی‌کاری هنری

اصل، وظیفه گالری‌دار است و خریدار نیز باید از حضور کارشناس خبره استفاده کند. در این میان دولت وظیفه‌ای در قبال خریدوفروش آثار کپی ندارد. ابراهیم حقیقی درباره دستور برخورد با کپی‌کاران هنری گفت: من گمان نمی‌کنم بررسی اصالت آثار هنری کار نهادهای دولتی باشد. یک گالری‌دار باید آن‌قدر به کار خودش مسلط باشد که بتواند اثر اصل را از کپی تشخیص دهد. یادم می‌آید خیلی سال قبل جواز تأسیس گالری به هر کسی داده نمی‌شد. گالری‌دار یا باید تحصیلات هنری داشت یا تاریخ هنر یا تجربه کافی و ثابت‌شده در زمینه هنر داشت. وی افزود: شاید در این سال‌ها ملاک‌ها تغییر کرده که شاهد مشکلات زیادی در این عرصه هستیم. البته ممکن است گالری‌دار حرفه‌ای باشد، اما به اندازه کافی وقت برای بررسی همه آثار نداشته باشد. اینجاست که در کنار خودش یک کارشناس هنری دارد که این مسئولیت مهم را برعهده می‌گیرد. گالری‌دار است که باید درک ارائه اثر هنری قابل نمایش برای ارتقای فرهنگ جامعه را داشته باشد. این وظیفه دولت نیست که دراین‌باره دخالت کند.

این گرافیست مطرح کشورمان گفت: گالری‌دار باید به خریدار سرتیفیکیت بدهد. این وظیفه اوست یا اینکه باید اثر هنرمند شاخصی را بفروشد. در کنار این، خود خریدار هم حتماً به اصول کارش وارد است و باید بتواند تابلو یا مجسمه یا هر اثر اصل دیگری را شناسایی کند. حقیقی درباره هنرمندانی که در قید حیات نیستند، نیز گفت: وزارت ارشاد می‌تواند در این زمینه مکان‌هایی را در نظر بگیرد که ضمانت لازم را به خریدار اثر هنر دهند و او را مطمئن کنند که اثر اصلی یک هنرمند بزرگ را می‌خرد؛ وگرنه اصل و کپی‌بودن کار یک هنرمند تازه‌کار آن‌قدر مهم نیست که نیاز به دفتر و دستک و سازوکار دولتی و اداری داشته باشد. او درباره اتفاق‌های اخیر در دنیای هنر نیز گفت: واقعا این مسائل زیاد مهم نیست و نباید روی آن تأکید شود. این اخبار وقتی پربال‌پیدا کرد که پای یک هنرمند شناخته‌شده به میان آمد. نباید به دنبال وقوع چنین رخدادهایی سریع به فکر بگرویبند بیفتیم.

این هنرمند درباره نظر خودش توضیح داد: مخالف ورود دولت و نظام قضائی هستم؛ چون همه‌چیز را پیچیده‌تر می‌کند. امروز شاهد سازمان‌یافتن گالری‌ها هستیم. گالری‌دارها کم‌کم به جایی رسیده‌اند که خط‌قرم‌های نظام را شناخته‌اند و در انتخاب آثار هنری دقت می‌کنند و خودشان حدود را رعایت می‌کنند. این اتفاق‌ها خوب است و باید حمایت شود. حالا ناگهان با ورود دولت به بخش انتخاب اثر به خاطر تشخیص آثار اصل و غیراصل ممکن است خللی در این نظم پیش بیاید. ابراهیم حقیقی گفت: یکی از مشکلات هنر این است که نمی‌توانیم تعریف درستی از دزدی اثر و ایده‌برداری ارائه دهیم. هیچ کجای دنیا هم این تعریف وجود ندارد؛ چون به محض اینکه یکی ادعا کند یک اثر دزدی است، دیگری هم می‌تواند ادعا کند که اثر اقتباسی است. زیاد نمی‌شود به قانونمندکردن



این تعاریف دل بست. جلوی سرقت را با قانون نمی‌توان گرفت. همه می‌دانند که کپی‌کردن اثر ادوینچی با پیکاسو جرم است و زندان و جریمه دارد؛ ولی باز هم در دنیا این کپی‌ها اتفاق می‌افتد و درباره آن فیلم ساخته می‌شود. این هنرمند همچنین مهارت مجموعه‌داران را عامل مهمی در تعیین اصالت آثار هنری دانست و گفت: گرچه اصل این است که یک حراج بزرگ هنری آبروی خودش را به خاطر یک تابلو نمی‌برد؛ ولی در کنار اعتمادی که یک خریدار به فروشنده دارد، می‌تواند از همراهی کارشناسان نیز استفاده کند تا احتمال خطا از بین برود. ابراهیم حقیقی ورود اثر فیک به چرخه عرضه و فروش آثار تجسمی را ناشی از تشخیص نادرستی گالری‌داران و کارشناسان هنری آنها دانست و این‌طور نتیجه گرفت: می‌توان در بررسی اثر هنری به دو عامل رسید، اول علائیت و درک خریدار و دوم حرفه‌ای‌بودن گالری‌دار. در این‌میان نظارت و حضور نهادهای دولتی نقشی ندارد.

کسانی که جعل می‌کنند باید مجازات شوند

فرشید مثقالی در این موضوع بیشتر با امیرخانی هم‌نظر است و معتقد است که دولت و قوه قضائیه هم باید در این زمینه به وزارت ارشاد کمک

فرشید مثقالی، تصویرگر و مجسمه‌ساز باسابقه گفت: دستور معاون هنری وزارت ارشاد برای رسیدگی به موضوع کپی آثار هنری در وزارت ارشاد خیلی خوب است؛ فقط نباید در نیمه راه این اقدام را رها کنیم؛ زیرا بی‌نتیجه خواهد بود؛ پس بهترین کار این است یا این کار را شروع کنیم یا اگر شروع کردیم تا به نتیجه‌رسیدن هدف پیش رویم. مثقالی به ادامه بیان کرد: به نظر من دولت و قوه قضائیه هم باید در این زمینه به وزارت ارشاد کمک کنند؛ زیرا کسانی که جعل می‌کنند، باید مجازات شوند. تازمانی‌که دولت در این زمینه همکاری نکند، نمی‌توانیم به نتیجه دلخواه برسیم. فرشید مثقالی افزود: قوه قضائیه اگر ورود کند، بسیاری از کسانی که کپی می‌کنند و اثر را به اسم خودشان می‌زنند، حساب کار دست‌شان می‌آید. همچنین باید برای این افراد جریمه در نظر گرفته شود تا دیگر به سراغ این کار نروند.

مثقالی در ادامه تأکید کرد: به نظر من باید از حضور کارشناسان هنری هم در این موضوع استفاده کنند؛ زیرا این افراد اطلاعات دقیقی دارند و اگر یک اثر را ببینند، سریع متوجه می‌شوند که اثر کپی یا اصل است. کارشناسان هنری اگر در این حوزه کمک کنند، این کار به نتیجه می‌رسد. هنرمندان هم باید تلاش کنند تا مانند کشورهای دیگر به هدف‌مان برسیم. فرشید مثقالی در پایان خاطرنشان کرد: البته بسیاری از این افراد که تخلف می‌کنند، معتقد هستند که در هنر معاصر موضوع ایده‌برداری از برخی از آثار هنری ممکن و پذیرفته است؛ ولی این فکر اشتباه است؛ زیرا ایده‌برداری درست است؛ ولی اینکه مانند یک اثر را کپی کنیم، نادرست است.



نام‌ها شده و معنای مهاجرت، سفر، دوری و شاید ارتباط با تقویت می‌کند. ویدئوآرتی که تصویر آتچنان واضحی را نشان نمی‌دهد و بیشتر تصویری واضح-ناواضح از مسکان و مقصد ارائه می‌دهد. انبوهی از واژگانی که در داخل اتاقک نوشته شده است و می‌توانند واژه‌های کلیدی برای یک فرد باشند که از دست رفته‌اند یا قرار بوده مهاجر به آنها دست یابد و در نهایت دست‌نیافتنی شده است. بنابراین با قطعیت روبه‌رو نیستیم و همه‌چیز در نوسان است. مرزهایی که با نخ نامرئی ایجاد شده‌اند و گذر از آن‌ها هله نخست دست‌یافتنی نشان می‌دهد، اما در عمل این اتفاق نمی‌افتد و آرزوها را باید در جعبه کوچکی گذاشت و از طریق نوار متحرک به آن‌سو فرستاد. همچنین نور و سایه در این مجموعه حضوری پررنگ دارد و به‌نوعی می‌تواند به ناپایداری تصویر ذهنی افراد نسبت به مهاجرت و پدیده‌های وابسته به آن اشاره کند. ساده‌هایی که گاهی متغیرند و بزرگ و کوچک می‌شوند و می‌توانند تصور انسان را نسبت به یک پدیده نشان دهند؛ تصویری که از دور بزرگ و دست‌نیافتنی است، ولی وقتی انسان نزدیکش می‌شود و در جنب آن قرار می‌گیرد، کوچک می‌شود و ابهت خود را از دست می‌دهد و جزئی از انسان می‌شود.

● **گروه هنر:** در پی تحریم فیلم سینمایی «عرق سرد» از سوی حوزه هنری و اختصاص یافتن سالن به این فیلم، کانون کارگردانان سینمایی ایران با انتشار متنی رفتار حوزه هنر را محکوم و احترام حوزة هنری به پروانه نمایش فیلم‌ها شد. متن نامه کانون کارگردانان به شرح زیر است: «توقیف خودسرانه فیلم «عرق سرد» در سالن‌های تحت پوشش حوزه هنری بار دیگر نشان‌دهنده عدم تمکین این نهاد به قانون و بی‌احترامی به پروانه نمایش صادرشده از سوی سازمان سینمایی است. متأسفانه حوزه هنری این فیلم را از نمایش در سالن‌هایش در سراسر کشور محروم کرده است. ممنوعیت بلاموضوع و غیرقانونی نمایش برخی از فیلم‌های اجتماعی در تعدادی از سالن‌های سینما، که به‌عنوان بخشی از بیت‌المال در اختیار ارگان‌ها و نهادهای مختلف قرار دارد، تضییع حقوق سازندگان و مالکان فیلم و مخاطبان سینماست. از سوی دیگر شاهد هستیم که حوزه هنری با را از قانون فراتر گذاشته و اقدام به تشکیل شورای پروانه نمایش موازی برای سناسور مجدد آثار هنرمندان بعد از پروانه نمایش ارشاد کرده است، به‌طوری‌که نسخه‌های نمایش برخی فیلم‌ها در سالن‌های تحت پوشش حوزه هنری با سایر سینماها تفاوت دارد.

سال شانزدهم • شماره ۳۲۷۰ روزنامه شوق

زیر آسمان فیروزه‌ای

تخلف یا خیانت

● **گروه هنر:** در پی اعلام نتیجه بررسی اعتراض‌های منیژه حکمت نسبت به وضعیت ارکان «جاده قدیم» مبنی‌بر اینکه تخلفی صورت نگرفته است، منیژه حکمت در یادداشتی با عنوان «تخلف یا خیانت» خاطرنشان کرده است، آنچه نسبت به آن اعتراض دارد فقط برای فیلم خودش که این روزها بر پرده سینماها نمایش داده می‌شود نیست و مسئله اصلی‌اش ظهور یک روند معیوب است. این کارگردان و تهیه‌کننده سینما در یادداشت خود نوشته است: «شورای ارکان بعد از بررسی و درخواست مدرک و سند از من به‌خاطر تخلف در ارکان فیلم «جاده قدیم» رای به عدم تخلف در این مورد داد. مسئله فیلم من نیست اصلاً یک فیلم و یک سالن و یک سانس نیست، مسئله ظهور یک روند معیوب و فسادآور است که باعث شده فیلم‌های جدی ما در محاق قرار بگیرند. این شما را به فکر نمی‌اندازد؟ نمی‌خواهید فکری به حال این موضوع بکنید؟ از من می‌خواهید مدرک ارائه کنم، چه مدرکی؟ که چه چیزی را بر شما ثابت کند؟ روابط ناسالم پخش و ارکان را؟ شما تبعات تصمیم‌های این شوراهای را نمی‌بینید؟ عوارض این نابرابری و به‌حاشیه‌راندن سینمای جدی را مشاهده نمی‌کنید؟ فرض کنید من مدرکی بیاورم که نشان دهد سانس‌های نااروا از من گرفته‌اند یا فیلم مرا به سانس‌های مرده نمایش داده‌اند، آن وقت شما چه می‌کنید؟ یک نمایش در یک سینمای خوب به من صدقه می‌دهید؟ این‌طور عدالت برقرار می‌شود؟ این نمایش مضحک ارائه مدارک و اسناد را تمام کنید. پول فاسد سینما را فراگرفته، آیا شما مدرکی دارید؟ سینما به‌نفع یک جریان انحصارطلب مصادره شده است. آیا سندی وجود دارد؟ اگر همچنان برای بهبود اوضاع منتظر سند و مدرک هستید، به شما بگویم پیوده به انتظار نشسته‌اید. سندی وجود ندارد و اگر هم باشد، قطعاً دست امثال من به آن نمی‌رسد.

ولی این نشانه ترنه نش نیست، خود بهتر می‌دانید که چه بر سر سینما آورده‌اید و فرجام کار کاملاً روشن است اگر نخواهیم کمشان کنیم. سازوکاری بنیاد نهاده‌اید که فساد می‌زاید و سینما را نابود می‌کند. در این شرایط طلب مدرک و سند بیشتر به شوخی می‌ماند شما می‌توانید حکم براثت خود و دوستانتان را صادر کنید و از این عدالت‌پرویی خوش باشید. اگر امثال من فریادی می‌زنند برای نفع شخصی نیست بلکه از آن‌روست که شاید تلنگری باشد برای شما قبل از اینکه همه‌چیز از دست برود. البته اگر هنوز اراده‌ای برای اصلاح باقی مانده باشد. فقط بداندید لاپوشانی ناکارآمد و فساد تخلف نیست بلکه خیانت است.»

فیلم‌برداری فازاول «غلامرضا تختی» به پایان رسید

● **گروه هنر:** به گزارش روابطعمومی فیلم «غلامرضا تختی»، فاز نخست فیلم که مربوط به دوران کودکی غلامرضا تختی است، پس از ۲۰ روز در احمدآبادمستوفی به اتمام رسید. همچنین مراحل تمرین کشتی و آمادگی جسمانی امیر جدیدی، بازیگر نقش غلامرضا تختی، به مدت شش ماه مستمر ادامه داشت، اما به دلیل طولانی‌شدن آماده‌سازی دکورهای فازهای ۲ و ۳ که مربوط به نوجوانی و جوانی غلامرضا تختی است، تغییر در زمان‌بندی پروژه و از طرفی به علت حساسیت بسیار زیاد گریم بزرگ‌سالی جهان‌پهلوان تختی که نیاز به مواد اولیه تهیه‌شده از خارج از کشور داشت، تست گریم به روزهای اخیر موکول شد. بعد از تست گریم گروه تولید و آقای امیر جدیدی به این نتیجه رسیدند که امکان فیلم‌برداری مبارزات کشتی جهان‌پهلوان تختی با این گریم سنگین امکان‌پذیر نیست. همین‌طور امکان حذف این صحنه‌ها هم از فیلم‌نامه به هیچ‌وجه میسر نیست، با طولانی‌شدن زمان پیش‌تولید و تولید و داشتن تعهد از جانب آقای جدیدی به پروژه‌های دیگر، با توافق کامل، همکاری ایشان با پروژه «غلامرضا تختی» قطع شد. گروه تولید با جایگزین‌کردن بازیگر دیگری کار خود را از سه‌شنبه مجدداً آغاز کرد.

اعتراض کانون کارگردانان سینما به تحریم اخیر حوزه هنری

● **گروه هنر:** در پی تحریم فیلم سینمایی «عرق سرد» از سوی حوزه هنری و اختصاص یافتن سالن به این فیلم، کانون کارگردانان سینمایی ایران با انتشار متنی رفتار حوزه هنر را محکوم و احترام حوزة هنری به پروانه نمایش فیلم‌ها شد. متن نامه کانون کارگردانان به شرح زیر است: «توقیف خودسرانه فیلم «عرق سرد» در سالن‌های تحت پوشش حوزه هنری بار دیگر نشان‌دهنده عدم تمکین این نهاد به قانون و بی‌احترامی به پروانه نمایش صادرشده از سوی سازمان سینمایی است. متأسفانه حوزه هنری این فیلم را از نمایش در سالن‌هایش در سراسر کشور محروم کرده است. ممنوعیت بلاموضوع و غیرقانونی نمایش برخی از فیلم‌های اجتماعی در تعدادی از سالن‌های سینما، که به‌عنوان بخشی از بیت‌المال در اختیار ارگان‌ها و نهادهای مختلف قرار دارد، تضییع حقوق سازندگان و مالکان فیلم و مخاطبان سینماست. از سوی دیگر شاهد هستیم که حوزه هنری با را از قانون فراتر گذاشته و اقدام به تشکیل شورای پروانه نمایش موازی برای سناسور مجدد آثار هنرمندان بعد از پروانه نمایش ارشاد کرده است، به‌طوری‌که نسخه‌های نمایش برخی فیلم‌ها در سالن‌های تحت پوشش حوزه هنری با سایر سینماها تفاوت دارد.

گروه هنر: «زندگی در پیش‌رو»، نوشته رومن گاری و با ترجمه لیلی گلستان پنجمین ۲۶ مهر ۹۷ در شهرکتاب پاسداران نقد و بررسی می‌شود.

در این مراسم، مهدی یزدانی خرم، منتقد، نویسنده و سردبیر مجله تجربه، درباره اهمیت این رمان گفت‌وگو خواهد کرد و لیلی گلستان نیز درباره چرایی انتخاب این کتاب برای ترجمه صحبت می‌کند.

«زندگی در پیش‌رو» اخیراً پس از ۱۳ سال ممنوعیت، از سوی نشر ثالث منتشر شده و علاقه‌مندان برای حضور در جلسه کپ‌وگفت درباره این کتاب می‌توانند ساعت ۱۸ روز پنجشنبه ۲۶ مهر به شهرکتاب پاسداران واقع در پاسداران، بوستان دوم(اخوان)، پلاک ۹ مراجعه کنند.

یک دیالوگ جمعی به‌تازگی کتاب پنج اثر از گوته با ترجمه سعید پیرمرادی به همت نشر چشمه منتشر شده است. در پنج اثر، دو نمایش‌نامه شورانگیز و در ضمن متفکرانه، یک دیالوگ جمعی روشنفکرانه با موضوع زنان و دو افسانه معروف از گوته، شاعر و ادیب نامدار آلمانی برگزیده و ترجمه شده‌اند؛ کلاویکو

شخصیت مردی را خواهان ترقی اجتماعی و عاطفی اما گرفتار در کشاکش سهمگین میان پیشرفت اجتماعی و دلبستگی عاطفی ترسیم می‌کند، استلا عشقی بدفرغ میان مردی متاهل و پریشان و معشوقه جوانش را با ظرافتی کم‌نظیر به تصویر می‌کشد. بانوان نیک‌سرشت، المثالی زنان بدسرشت

نقد «زندگی در پیش‌رو» و ۵ اثر از گوته در شهرکتاب

بار دیگر از شناخت عمیق گوته از زنان و نگاه احترام‌آمیز او به آنان پرده برمی‌دارد؛ پاریس نو و مولینز نو، دو افسانه شگفت‌انگیز گوته‌اند که قوه تخیل خواننده را به پرواز درمی‌آورند. پنج اثر مجموعه‌ای است متنوع که شخصیت و اندیشه‌های گوته را از زوایای گوناگون نشان می‌دهد. نشست ویژه شهرکتاب در روز پنجشنبه، ۱۶ مهر، ساعت ۱۶ به نقد و بررسی کتاب «پنج اثر از گوته» اختصاص دارد که با حضور محمود حسینی‌زاد، علی عبداللهی و سعید پیرمرادی در مرکز فرهنگی شهرکتاب، واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قاضی (بخارست)، نبش کوچه سوم برگزار می‌شود و ورود برای علاقه‌مندان آزاد است.